

تفاوت‌های جنسیتی در کار کودکان: مروری نظام‌مند به علل، اشکال، ویژگی‌ها و پیامدها

کامیل احمدی¹

تخصص روش تحقیق و کارشناسی ارشد مردم‌شناسی اجتماعی، دانشگاه کنت- انگلستان

چکیده

موضوع کار کودکان چندین دهه است که مورد توجه بوده است، اما مطالعات و سیاست‌ها مربوط به کار کودکان بر پسران متمرکز بوده‌اند، با این فرض که نیازها و خواسته‌های دختران با آنان یکسان است. عدم توجه به تفاوت‌های جنسیتی در کار کودکان اغلب منجر به نامرئی شدن کار دختران شده است. هدف این مطالعه برجسته‌کردن سویه جنسیت در کار کودکان است. روش این مطالعه از نوع مطالعات ثانویه و به روش مرور نظام‌مند انجام‌شده است. جامعه مطالعه این پژوهش کلیه مطالعات شامل مطالعات صورت گرفته در خصوص کار کودکان است که در داخل و خارج از کشور انجام‌شده‌اند. پس از احصاء این مطالعات و ارزیابی کیفیت آن‌ها 37 مطالعه انتخاب شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کار کودکان دختر و پسر به لحاظ میزان حضور، شکل کار، درآمد و کنترل بر آن و پیامدهای کار متفاوت است. این تفاوت را می‌توان با سوگیری‌های جنسیتی، انتظارات والدین، فرصت‌ها، تبعیض‌ها و شیوه سازمان‌دهی کار توضیح داد. سوگیری‌های جنسیتی و ترجیح اجتماعی برای فرزندان پسر باعث شده والدین بیشتر به پسران توجه کنند، در رشد و موفقیت آنان سرمایه‌گذاری، دختران را قربانی پسران و آنان را از رشد و پیشرفت محدود کنند. این امر زمینه‌ای برای ورود دختران به کار است، درحالی‌که کار آن‌ها به حساب نمی‌آید. کار کودکان برای پسران و دختران آسیب‌های جدی به همراه دارد و به دلیل برخی از انتظارات اجتماعی و جنس کودکان پیامدهای آن برای دختران بدتر است. لازم است در مطالعات و سیاست‌گذاری‌ها به مسئله جنسیت در کار کودکان توجه شود تا هم شناخت دقیق‌تری از این مسئله صورت گیرد و هم سیاست‌ها و برنامه‌های صورت دقیق‌تر معطوف به حذف کار کودکان شود.

واژگان کلیدی: کار کودکان، انتظارات جنسیتی، سویه جنسیت در کار کودکان، نامرئی شدن کار دختران

¹ Kameel.ahmady@gmail.com. محقق و مردم‌شناس: 1

بیان مسئله

موضوع کار کودکان در چند دهه گذشته موردتوجه بوده است؛ اما مطالعات، سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به کار کودکان بر پسران متمرکز بوده‌اند، با این فرض که نیازها و خواسته‌های دختران با آنان یکسان است. در نتیجه، دختران کودک کار اغلب «نامرئی»² می‌شدند، درحالی‌که آن‌ها بخش بسیار زیادی از کودکان کار را تشکیل می‌دهند (کولومیئیس و موری³، 2004). برآورد جهانی در سال 2002 نشان می‌دهد که هیچ تفاوت قابل‌توجهی بین دختران و پسران در مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد، با این‌حال در بسیاری از جوامع به دختران و زنان به شکل دیگری که اغلب همراه با ارزش کمتری است نگاه می‌شود؛ از این‌رو جایگاه پایین‌تری نسبت به هم‌تایان مرد خود دارند. هم دختران و هم پسران در برابر استثمار کار کودکان آسیب‌پذیر هستند، البته به روش‌های مختلف. پسران و دختران راهبردهای مقابله‌ای متفاوتی دارند و با مشکلات متعدد کار کودکان به‌طور متفاوتی برخورد می‌کنند (همان).

باید گفت محیط قبل از تولد، محیط اوایل کودکی و وضعیت سلامت کودکان تعیین‌کننده قوی در رشد فکری، موفقیت تحصیلی و سلامت آینده آنان دارد. کار کودکان به اشکال مختلف سلامت جسم و روان به همراه تحصیل و رشد و پیشرفت آنان را به خطر می‌اندازد (سازمان جهانی کار⁴، 2004). کار کودکان به‌نوبه خود در آینده، تأثیر بسزایی در سلامت و موفقیت پدران و به‌ویژه مادران دارد و تهدیدکننده پتانسیل‌های موجود برای نسل‌های آینده است. اگرچه دختران همانند پسران در کار کودک مشارکت دارند، اما به دلیل انتظارات جامعه در مورد نقش‌های که پسران و دختران باید ایفا کنند، دختران اغلب کارهای متفاوت با نتایج متفاوت را تجربه می‌کنند. دلیل اینکه باید به تفاوت‌های جنسیتی در کار کودکان نگاه کرد، وجود آن‌هاست. جامعه نوع وظایفی را که دختران و پسران می‌توانند انجام دهند را تعیین می‌کند و جنسیت عامل اصلی سازمان‌دهی کار است. نقش‌های جنسیتی به‌عنوان عامل کلیدی تعیین‌کننده، همراه با وضعیت خانوادگی و سنت‌ها، نقش مهمی در تعیین شکل کار پسران و دختران دارند.

پرداختن به موضوع کار کودکان با تأکید بر جنسیت حائز اهمیت است چراکه ممکن است علل و عواملی که منجر به کار کودکان در میان دختران و پسران می‌شود متفاوت باشد، آنان کار را به شکل متمایز تجربه کنند و پیامدهای کار برای آنان متفاوت باشد. از این‌رو در نظر گرفتن موضوع جنسیت به‌عنوان یک مؤلفه حیاتی در پرداختن به کار کودکان مهم است. اگر در مورد کودکانی که در یک فعالیت خاص کار کودک دخیل هستند اطلاعات بیشتری داشته باشیم، می‌توانیم برنامه‌ریزی بهتری برای غلبه بر مسئله کار کودک داشته باشیم. همچنین می‌توانیم تلاش کنیم دلایل مرتبط با جنسیت در پس اشتغال کودکان را درک کنیم و برای پیشگیری از استفاده از کودکان برای کار و همچنین نحوه ادغام مجدد کودکان در مدرسه برنامه‌ریزی کنیم. برای مثال، امکانات توان‌بخشی موجود برای کودکان کار خیابانی ممکن است برای گروه‌های جنسی مختلط مناسب نباشد؛ بنابراین داشتن «رویکرد جنسیتی»⁵ برای شناخت و در نتیجه برای جلوگیری و حل مشکلات کار کودکان مفید است. مفید بودن داشتن رویکرد جنسیتی در کار کودکان آنجا بیشتر حائز اهمیت است که تعاریف استاندارد کار کودک تمایل به دست‌کم گرفتن کار دختران دارد، فعالیت‌های اقتصادی پسران و دختران و پیامدهای آن می‌تواند بر اساس کار متفاوت باشد. از این‌رو هدف این مطالعه برجسته‌کردن سویه جنسیت در کار کودکان با مرور

2. invisible

3. Kolomiyets & Murray

4. International Labour Organization

5. gender lens

نظام‌مند مطالعات حوزه کار کودکان است. مطالعه به دنبال پاسخ به این پرسش است: چه تفاوت‌های جنسیتی در کار کودکان به لحاظ میزان، علل، شکل، ماهیت و شیوه انجام کار وجود دارد؟

مروری بر ادبیات نظری

در این بخش مروری بر ادبیات نظری با تأکید بر دو مفهوم کار کودک و جنسیت می‌شود. براساس مطالعات کار همیشه برای کودکان بد نیست و می‌تواند سالم باشد، اما برخی از کارها که از آنها تحت عنوان «کار کودک» یاد می‌شود به‌طور جدی اجتماعی‌شدن مؤثر کودکان را مختل می‌کند. به‌منظور تصمیم‌گیری در مورد سالم یا مضر بودن فعالیت‌های اقتصادی کودکان، جامعه بین‌الملل معیارهای زیر را تعیین کرده است: «فعالیت کودک»⁶ با مشخصاتی همچون (1) کارهای سبک (کمتر از 14 ساعت در هفته) برای کودکان 12 الی 17 سال، (2) برای سلامتی و رشد کودک مضر نباشد، (3) مانع تحصیل یا آموزش حرفه‌ای کودکان نشود و (4) ماهیت خطرناکی نداشته باشد. «کار کودک»⁷ با مشخصاتی همچون (1) کار منظم (14 الی 43 ساعت در هفته)، (2) باعث آسیب جسمی یا روانی شود، (3) مانع آموزش و یا رشد ذهنی یا جسمانی شود، (4) کودک زیر حداقل سن تعیین‌شده توسط کنوانسیون شماره 138 سازمان بین‌المللی کار باشد و (5) کارهای خطرناک طبق مقررات کنوانسیون شماره 182 سازمان بین‌المللی کار (هاسپلز و سوریاسرن⁸، 2003). از نظر هومر فولک⁹، رئیس کمیته ملی کار کودکان ایالات متحده¹⁰، اصطلاح «کار کودک» معمولاً برای اشاره به کارهای به کار می‌رود که در رشد کامل جسمی و روانی، فرصت‌های حداقل تحصیلی مطلوب و تفریحات موردنیاز کودکان اختلال ایجاد کند (بات¹¹، 2010). براساس تعریف سازمان جهانی کار، کار کودکان «اغلب به‌عنوان کارهایی تعریف می‌شود که کودکان را از دوران کودکی، پتانسیل و شانشان محروم می‌کند و برای رشد فیزیکی و روانی آنها مضر است» و به کارهای اشاره می‌کند که دارای خصوصیات ذیل‌اند: به لحاظ جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی خطرناک‌اند و برای کودکان مضر هستند. در موارد زیر مانع تحصیل کودکان می‌شود: الف) آنان را از فرصت حضور در مدرسه محروم می‌کند، آنان را قبل از اتمام تحصیل بر ترک تحصیل مجبور می‌کند. یا آنان را مجبور می‌کند حضور در مدرسه را با کار بیش‌ازحد طولانی و سنگین ترکیب کنند (وامقی و یزدانی، 1398: 97).

به‌طور فزاینده‌ای سویه جنسیتی کار کودکان موردتوجه قرار گرفته است. پس از چهارمین اجلاس جهانی زنان در پکن در سال 1995، جامعه بین‌المللی متوجه شد که به حقوق کودکان دختر توجه کافی نمی‌شود. چندین قطعنامه در چارچوب گروه حقوق بشر، کمیته سوم سازمان ملل متحد، گروه وضعیت زنان به تصویب رسیده است که خواستار توجه بیشتر به حقوق دختران شده است. اخیراً، تصویب کنوانسیون شماره 182 در مورد حذف بدترین اشکال کار کودک و توصیه شماره 190 توجه بیشتری را بر روی کودک دختران در زمینه نادیده گرفته‌شدن، سوءاستفاده از حقوق آنها و استثمار در کار جلب کرده است.

تفاوت‌های جنسیتی زیادی در کار کودکان وجود دارد به‌گونه‌ای که دختران و پسران با فرصت‌ها و محدودیت‌ها مختلف براساس وظایف مواجه هستند. زمانی که به موضوع جنسیت توجه می‌کنیم مهم است که «جنسیت» را با «جنس» اشتباه نگیریم. جنس به تفاوت‌های زیستی بین مردان و زنان اشاره دارد که قابل‌تغییر نیست. جنس کودکان بر زندگی آنها تأثیر چشمگیری دارد. درحالی‌که عوامل بیولوژیکی زمانی که کودکان به سن بلوغ می‌رسند بسیار مهم می‌شوند، با پسران و دختران تقریباً از لحظه تولد متفاوت رفتار می‌شود. نحوه رفتار با دختران و پسران و آنچه که انتظار می‌رود آنان رفتار کنند، براساس تفاوت‌های جنسیتی است. فعالیت‌هایی که از پسران و دختران انتظار می‌رود انجام دهند، نقش‌های جنسیتی آنها نامیده می‌شود (هاسپلز و سوریاسرن، 2001). پس می‌توان گفت جنسیت به تفاوت‌های آموخته‌شده، اجتماعی و

6. Child work

7. Child labour

8. Haspels & Suriyasarn

9. Homer Folks

10. US National Child Labour Committee

11. Bhat

روابط بین دختر و پسر اشاره دارد. فرآیند اجتماعی شدن - که از طریق آن بچه‌ها یاد می‌گیرند چگونه رفتار کنند- از نظر جنسیت خنثی نیست، بلکه نقش‌ها و مسئولیت‌های متفاوتی را که به پسران و دختران بر اساس جنسیتشان محول می‌شود، شکل می‌دهد. با بزرگ‌شدن، کودکان رفتار اطرافیان خود را الگوبرداری می‌کنند و تفاوت‌ها و روابط اجتماعی موجود بین زن و مرد را بازتولید می‌کنند. به‌عنوان مثال، یک دختر اغلب به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که با رفتاری که دختران و زنان دیگر در اطراف خود دیده است، مطابقت دارد. این نقش‌های جنسیتی توسط ارزش‌ها، هنجارها و کلیشه‌های جنسیتی رایج در هر جامعه تقویت می‌شود (آموریم و دیگران¹²، 2004).

دسته‌ای از مطالعات فارغ از جنسیت مهم‌ترین علل کار کودکان را عواملی نظیر فقر و درآمد پایین خانواده، کار در مشاغل با درآمد پایین، اجبار خانواده، کمک به معاش خانواده، شرایط نامطلوب خانوادگی همچون از هم گسستگی، خشونت، منع قانونی تحصیل، فرار از محیط ناسالم خانواده، تعداد بالای اعضای خانواده، افزایش هزینه‌های تحصیل، فرهنگ برخی از اجتماعات و باورهای آنان درباره کودک، مهاجرت و تأمین هزینه‌های مهاجرت نام‌برده‌اند. گاهی اوقات خود کودک ممکن است به دلایلی مانند مهاجرت، هویت‌یابی، الگوهای نقشی که برای خود ترسیم کرده است، یادگرفتن مهارت و پیشرفت در زندگی، خرید برخی از مایحتاج مانند و یا اثبات خود در خانواده و ابراز قدرت وارد چرخه کار شود (خان و هسکت¹³، 2010؛ سالمون¹⁴، 2005؛ سنسوی بهار¹⁵، 2014 و 2016؛ کاظیم¹⁶، 2012؛ احمدی، 1400؛ زارع شاه‌آبادی و دیگران، 1388؛ وامقی و دیگران، 1394 الف و ب و غیره).

از زاویه تقاضا یکی از مشتریان اصلی کار کودکان خانواده‌ها هستند. تعداد زیادی از کودکان، کارگران بی‌مزد خانواده‌ها هستند. همچنین بسیاری از کارفرمایان، کودکان را باقیمت ارزان برای برخی کارها به کار می‌گیرند؛ اما به نظر می‌رسد بیش از سود اقتصادی، کنترل آسان‌تر و آگاه نبودن کودکان از حقوق خود سبب می‌شود کارفرمایان در به‌کارگیری آن‌ها در مقابل بزرگسالان تمایل بیشتری داشته باشند (وامقی و دیگران، 1394 ب). بخشی از کودکان به همراه شبکه‌های خانوادگی‌شان وارد چرخه کار می‌شوند؛ که نشان‌دهنده اهمیت خانواده برای ورود کودکان به کار است. دسته زیادی از کودکان برای بار نخست توسط یکی از اعضای خانواده یا دوستانشان وارد چرخه کار می‌شوند. در برخی از کارها، همچون کار در خیابان کودکان بهتر می‌توانند حس ترحم را در میان دیگران برانگیزند و درآمد بیشتری کسب کنند؛ همین امر باعث انگیزه برای والدین می‌شود تا از آنان بیشتر استفاده کنند. از سوی دیگر تقریباً در همه مطالعات نشان داده شده است که یکی از دلایل کودکان کار برای ورود به چرخه کار کمک به تأمین هزینه‌های معاش خانواده است (احمدی، 1400؛ ایمانی و نرسیسیانس، 1390). در مطالعه‌ای که به موضوع کار دختران پرداخته بود مهم‌ترین علل کار آنان را زندگی در خانواده‌های از هم‌گسیخته، حمایت از خانواده، فرودستگی و درماندگی همچون فقر و کنترل شدید بر دختران و استثمار مضاعف آن‌ها شناسایی کرده بود (میرحسینی و قربانی، 1398).

در رابطه با جنسیت و علل کار کودکان ادبیات این حوزه بر تبعیض‌های جنسیتی، ترجیحات والدین و انتظارات جنسیتی تمرکز دارد. به لحاظ رفاه در سطح خانوار شواهد نشان می‌دهد افزایش رفاه خانوار ممکن است برای کاهش کار کودکان کافی نباشد و نیاز به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های همچون آب آشامیدنی و بهداشت و مراقبت از کودکان است (بانک جهانی¹⁷، 2005). شواهد مطالعه‌ای نشان می‌دهد در مناطق شهری یمن، تأمین شبکه آب آشامیدنی باعث می‌شود احتمال مشارکت دختران در کار 2 درصد کاهش و احتمال حضور آن‌ها در مدرسه 16 درصد افزایش یابد. این اثرات برای پسران کمتر بود که نشان می‌دهد دختران نقش مهمی در جمع‌آوری آب داشته‌اند (گوارچولویون¹⁸، 2003). همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد کاهش هزینه‌های مراقبت از کودکان برای خانوارها باعث افزایش حضور دختران در مدرسه می‌شود.

12. Amorim and et al

13. Khan & Hesketh

14. Salmon

15. Sensoy Bahar

16. Kazeem

17. World Bank

18. Guarcello

برای مثال گلینسکایا و دیگران¹⁹ (2000) دریافتند در کنیا، افزایش 10 درصدی هزینه‌های مراقبت از کودکان توسط دولت، نرخ ثبت‌نام دختران مسن‌تر در مدارس را تا 3 درصد افزایش می‌دهد، درحالی‌که هیچ اثر قابل‌توجهی برای پسران نداشت. این شواهد نشان می‌دهد که دسترسی به مراقبت از کودکان با هزینه اندک می‌تواند کارهای در خانه دختران را کاهش دهد و تأثیرات مثبت بر تحصیل آنان داشته باشد.

شوکه‌های خاص به خانواده نیز بر کار کودکان تأثیر می‌گذارد. یافته‌ها نشان می‌دهد تخصیص زمان در ارتباط با بیماری‌ها در میان پسران و دختران متفاوت است. یافته‌های مطالعه‌ای در کشور پرو نشان می‌دهد بیماری در میان کودکان خردسال باعث افزایش کارخانگی در میان دختران بزرگسال‌تر می‌شود (الهی²⁰، 2001). با استفاده از داده‌های کشور اندونزی، پیت و روزنزوا²¹ (1990) دریافتند افزایش 29 درصدی در بروز بیمارهای کودکان، 25 درصد مشارکت اقتصادی خواهان بزرگسال‌تر را در بازار کار و احتمال رفتن آن‌ها را به مدرسه 15 درصد کاهش می‌دهد و احتمال مشارکت آن‌ها در مراقبت‌های خانگی را 53 درصد افزایش می‌دهد. موضوع دیگر اشتغال بزرگسالان است. زمانی که هر دو والد در بیرون از منزل در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت دارند کار کودکان به‌ویژه دختران اغلب در کارهای خانه‌داری بدون مزد جایگزین کار آن‌ها می‌شوند. الهی (2001) در اجتماعات شهری پرو دریافت زمانی که اشتغال مادران بیرون از خانه افزایش می‌یابد هم دختران و هم پسران بیشتر درگیر کارهای خانگی می‌شوند، اما این نسبت برای دختران بیش از پسران است. دلایل دیگری از جمله دعوای خانوادگی، خرابی خانه، آزار جسمی یا عاطفی، موقعیت‌های سیاسی و بلایای طبیعی نیز به کودکان برای کار کمک می‌کند. یافته‌های تحقیقات همچنین نشان می‌دهد برای کار پسران بیشتر مستعد فشار همسالان هستند، درحالی‌که دختران تحت تأثیر فشار خانواده و همسالان هستند (ویل، 2002). به لحاظ سویه تقاضا زنان و دختران به مردان و پسران بیشتر ترجیح داده می‌شوند، زیرا اغلب مایل‌اند در شرایط بد سخت کار کنند. آن‌ها اجتماعی شده‌اند تا کارگرانی مطیع باشند که سخت کار کنند، اعتراض و مطالبه‌گری نکنند (هاسپلز و سوریاسرن، 2003).

درنهایت کار کودکان با آسیب زدن به اشتغال زنان شکاف جنسیتی را تقویت می‌کند. ممکن است چندین سازوکار در پس این نابرابری جنسیتی وجود داشته باشد. یکی از سازوکارها از طریق ترجیحات والدین مبتنی بر جنسیت به دلیل هنجارهای فرهنگی، مذهب و سنت‌ها عمل می‌کند. ترجیحات سوگیرانه می‌تواند بر تخصیص زمان در خانواده و انباشت سرمایه انسانی دختران تأثیر بگذارد به‌گونه‌ای که فرصت‌های دختران در بازار کار را به خطر بیندازد. سازوکار دیگر ممکن است از طریق آموزش عمل کند. حتی اگر ترجیحات از نظر جنسیت خنثی باشد، شرایط نامطلوب بازار کار برای دختران از نظر دسترسی به کار دستمزدی منجر به سرمایه‌گذاری ناکافی در آموزش آن‌ها با پیامدهای منفی مشابه می‌شود. آخرین سازوکار ممکن است از طریق مشارکت گسترده در مزارع خانگی و در کارهای خانگی عمل کند، که احتمالاً دانش خاصی را ایجاد می‌کند که انتقال آن به فعالیت‌های دیگر دشوار است. به‌طور خاص، کار کودکان باعث دور باطل مهارت‌های اولیه پایین برای زنان و نتایج پایین‌تر بازار کار در مقایسه با مردان می‌شود (هاسپلز و سوریاسرن، 2003).

روش

روش پژوهش در مطالعه حاضر از نوع مروری است. این دست از پژوهش‌ها به دنبال جستجوی نظام‌مند برای پاسخ به پرسش‌ها و ارزیابی نتایج پژوهش‌ها در ارتباط با موضوع یا مسئله‌ای خاص است یا این نوع از مرور در پی ترکیب یافته‌ها و شواهدی است که بر پرسش‌های خاص متمرکز هستند. این کار با توسل به رویه‌ها و فرایندهای منظم و سازمان‌یافته انجام می‌شود. در این نوع از مطالعه از روش‌های منظم و مشخص برای شناسایی، انتخاب و بررسی نقادانه پژوهش‌های اولیه درباره موضوع استفاده می‌شود و داده‌های این مطالعات استخراج و تحلیل می‌شوند (قاضی طباطبائی و دادهیر، 1389: 63). بر این اساس مطالعه حاضر با هدف بررسی پژوهش‌های انجام‌شده درباره کار کودکان با تأکید بر

19. Glinskayai and et al

20. Ilahi

21. Pitt & Rosenzweig

مسئله جنسیت و ارتباط بین این پژوهش‌ها با استفاده از الزامات روش مرور نظام‌مند (جستجو هدفمند، انتخاب مطالعات مناسب با تأکید بر موضوع پژوهش، احصاء یافته‌های آن‌ها و به کار بردن آن‌ها در راستایی پاسخ به پرسش‌های مطالعه) به انجام رسیده است. در پژوهش حاضر فرایندی هفت مرحله‌ای که در مطالعات مرور نظام‌مند به کار گرفته می‌شود، استفاده شده است. مراحل این فرایند عبارت‌اند از: 1) تدوین پرسش 2) جستجو در پایگاه‌های اطلاعات علمی 3) انتخاب پژوهش‌های مناسب در راستایی موضوع و اهداف مطالعه 4) ارزیابی کیفیت این پژوهش‌ها 5) احصاء اطلاعات آن‌ها 6) ارائه یافته‌ها و 7) بحث و نتیجه‌گیری در خصوص یافته‌ها. جامعه آماری این پژوهش کلیه مطالعات شامل مطالعات صورت گرفته در خصوص کار کودکان است که در داخل و خارج از کشور انجام شده و به چاپ رسیده‌اند. پس از احصاء این مطالعات و ارزیابی کیفیت آن‌ها 37 مطالعه (26 مطالعه خارجی در بازه سال‌های 1990 تا 2020 و 11 مطالعه داخلی در بازه سال‌های 1388 تا 1400) انتخاب شد.

مروری بر آمارها

برآوردهای جهانی نشان می‌دهد که در سال 2020، 160 میلیون کودک - 63 میلیون دختر و 97 میلیون پسر - در سراسر جهان در حال کار از نوع کار کودکان بوده‌اند، تقریباً یک نفر از هر 10 کودک. هفتادونه میلیون کودک - تقریباً نیمی از تمام کودکان کار - در کارهای خطرناکی بودند که به‌طور مستقیم سلامت، ایمنی و رشد اخلاقی آن‌ها را به خطر می‌اندازد. مشارکت پسران در کار کودکان در تمام سنین بیشتر از دختران است. نسبت کار پسران 11.2 درصد در مقایسه با 7.8 درصد دختران است. وقتی تعریف کار کودک گسترش می‌یابد و شامل کارهای خانه به مدت 21 ساعت یا بیشتر در هفته می‌شود، شکاف جنسیتی در شیوع در بین پسران و دختران 5 تا 14 ساله تقریباً به نصف کاهش می‌یابد. کار کودکان در مناطق روستایی بسیار رایج‌تر است. 122.7 میلیون کودک روستایی در مقایسه با 37.3 میلیون کودک شهری وجود دارد. شیوع کار کودکان در مناطق روستایی (13.9 درصد) نزدیک به سه برابر بیشتر از مناطق شهری (4.7 درصد) است. بیشتر کار کودکان (هفتاد درصد برابر با 112 میلیون) - برای پسران و دختران به‌طور یکسان - همچنان در کشاورزی رخ می‌دهد. بسیاری از آن‌ها کودکان خردسال هستند. آمارهای منطقه‌ای کار کودکان به این شرح است: جنوب صحرایی آفریقا 23.9 درصد (86.6 میلیون نفر)، آسیای مرکزی و جنوبی 5.5 درصد (26.3 میلیون نفر)، آسیای شرقی و جنوب شرقی 6.2 درصد (24.3 میلیون نفر)، شمال آفریقا و غرب آسیا 7.8 درصد (10.1 میلیون نفر)، آمریکای لاتین و کارائیب 6 درصد (8.2 میلیون نفر) و اروپا و آمریکای شمالی 2.3 (3.8 میلیون نفر). نسبت کودکان کار براساس سن و جنسیت به این شرح است: از کل کودکان 10.9 درصد پسران و 8.4 درصد دختران در سن 5 الی 11 سال، 11 درصد پسران و 7.5 درصد دختران در سن 12 الی 14 سال، 12.2 درصد پسران و 6.6 درصد دختران در سن 15 الی 17 سال در کار مشارکت دارند (سازمان جهانی کار و صندوق کودکان سازمان ملل، 2020).

در مورد ایران برآوردهای دقیقی از میزان کار کودکان وجود ندارد. وامقی و یزدانی (1398) با استفاده از داده‌های سرشماری در چند دوره (سه دوره در سرشماری سال‌های 1375، 1385 و 1390) نشان می‌دهند کار کودک به مفهوم عملی که در فرایند «توانمندسازی و جامعه‌پذیری» کودکان ایجاد خلل و گسست کند، گریبان‌گیر حداقل 7.5 درصد و با احتساب کودکان خانهدار 15 درصد از کودکان 10 تا 18 ساله کشور است. یافته‌های سرشماری سال 1390 نشان می‌دهد جمعیت کودکان کار، یعنی کودکان فعال (792.833 نفر) به‌علاوه کودکان خانهدار به 1.62 میلیون نفر رسیده است. روی‌هم‌رفته یافته‌های مطالعه آنان نشان می‌دهد میزان کار کودکان در روستاها بیشتر از شهرها است؛ با افزایش سن احتمال کار کودکان بیشتر می‌شود اما این احتمال برای پسران بیشتر از دختران است. یافته‌های مطالعات دیگر نیز نشان می‌دهد روی‌هم‌رفته میزان کار پسران بیشتر از دختران است. نسبت دختران شاغل در مطالعات مختلف بین ۸ درصد تا ۵۴ درصد گزارش شده است (وامقی و یزدانی، 1398؛ وامقی و دیگران، 1394). در یک مطالعه بر روی بیش از ۲۷ هزار کودک کار شهری و روستایی کشور در سال ۱۳۸۷، ۸۰ درصد کودکان کار پسر بودند (کشاورز حداد و دیگران، 1393). بالاتر بودن اشتغال به کار پسران نسبت به دختران در همه مطالعات کودکان کار شهری و روستایی دیده می‌شود.

اما به نظر می‌رسد در روستاها فاصله میان نسبت اشتغال پسر و دختر کمتر است، به طوری که در مطالعه کشاورز حداد و دیگران (1393) نسبت کار دخترها به پسرها در شهر 8 درصد در مقابل 92 درصد و در روستاها 23 درصد در مقابل 77 درصد بود و در کل نمونه 20 درصد کودکان کار دختر بودند. همچنین مطالعه کودکان کار روستایی در کاشان و جهرم میزان بالاتری از کار دختران را نشان می‌دهد (وامقی و یزدانی، 1398).

آمارهای کار کودکان به خوبی نشان‌دهنده واقعیت موجود از کار بر مبنای جنسیت نیستند و در این زمینه لازم است به چند موضوع توجه شود. مشارکت دختران در کار نسبت به پسران در گروه‌های سنی بالاتر کاهش می‌یابد، با این حال، با کم‌تر شدن مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی، مشارکت آن‌ها در خدمات خانگی بدون مزد افزایش می‌یابد. کار دختران به دلایل همچون عدم به حساب آوردن آن‌ها در فعالیت‌های همچون کارگاه‌های خانوادگی و کارهای خانگی فعال به حساب نمی‌آید. کار خانگی به طور سنتی به عنوان یک کار آسان و ایمن برای کودکان، به ویژه دختران دیده می‌شود. با این حال، نشان داده شده است که کار خانگی می‌تواند برای کودکان بسیار خطرناک باشد و به عنوان یکی از بدترین شکل کار کودکان شناخته شده است (آموریم و دیگران، 2004). 22 بسیاری از مردم نیز به دلیل ماهیت نامرئی کار کودکان از شیوع آن آگاهی ندارند. در نظرسنجی‌ها تعداد بیشتری از دختران نسبت به پسران «بیکار»²³ گزارش می‌شوند، که نشان می‌دهد آن‌ها نه در مدرسه حضور دارند و نه کار می‌کنند. کودکان «بیکار» ممکن است در واقع هیچ کاری را انجام ندهند، اما این امکان نیز وجود دارد والدین وظایفی را که دخترانشان انجام می‌دهند کار «واقعی» تلقی نکنند (سیگو دیگران، 2002). این مسئله مخصوصاً برای دختران در کشورهای در حال توسعه بسیار مهم است، زیرا آن‌ها تمایل دارند کارهای خانه را بیشتر از پسران انجام دهند (بانک جهانی، 2005).

ادراک والدین نیز به دست‌کم گرفتن کار کودک دختر کمک می‌کند. برای مثال دختران ممکن است در کاشت، وجین و برداشت محصولات کشاورزی مشغول باشند، اما ممکن است به جای اینکه «کار» کنند، به عنوان کمک به والدین/کارفرمایان تلقی شوند (بات، 2010). این دختران پس از آن در تعداد کل کارگران کشاورزی به حساب نمی‌آیند، به ویژه اگر حقوق دریافت نکنند، حقوق غیرنقدی دریافت کنند، یا اگر والدین/کارفرمایان یا دختران خود را شاغل ندانند. دختران اغلب به عنوان «کمک‌کننده» در نظر گرفته می‌شوند، حتی اگر این کمک کردن ساعات زیادی از روز آن‌ها را بگیرد و بر تحصیل آن‌ها تأثیر بگذارد. به طور مشابه، کار خانگی اغلب به عنوان کار تلقی نمی‌شود، بلکه به عنوان آمادگی برای انجام وظایف خانه در آینده، یا به عنوان یک نفر کمتر برای تغذیه، زمانی که دختر در جای دیگری زندگی می‌کند، تلقی می‌شود. بخش دیگر از دختران، در مشاغل پنهانی همچون تن‌فروشی کار می‌کنند. از آنجایی که بیشتر این نوع کار در بخش غیررسمی و غیرقانونی صورت می‌گیرد، اندازه‌گیری میزان مشکل و تعیین جدیت تأثیر آن بر کودکان دشوار است. با همین نوع رویکرد، می‌توانیم کم شماری تعدادی از پسران که در کارهای پنهان فعالیت می‌کنند را توضیح داد. به عنوان مثال، اغلب تصور می‌شود که تن‌فروشی کار دختران است، اما ارزیابی‌های سریع در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که پسران نیز به تن‌فروشی مشغول هستند، هر چند پنهان‌تر از دختران (کولومبتس و موری، 2004).

اشکال کار

برخی از کارها را بیشتر پسران انجام می‌دهند همچون کارهای ساختمانی، برخی دیگر را بیشتر دختران انجام می‌دهند همچون کارهای خانگی و برخی دیگر را هم پسران و هم دختران انجام می‌دهند؛ همچون کارهای خیابانی. می‌توان گفت شکل کار نقش تعیین‌کننده‌ای در کار پسران و دختران دارد. در جدول زیر براساس مطالعات موجود نشان داده شده است که پسران و دختران بیشتر در کدام شکل از کارها، کار می‌کنند. البته لازم به ذکر است شکل کار براساس جنسیت بر مبنای مناطق مختلف جهان می‌تواند متفاوت باشد.

22. «کار خانگی» وظایف خانگی است که در خانه شخص ثالث انجام می‌شود. «کار خانگی کودک» کاری است که توسط کودکان زیر حداقل سن قانونی و همچنین کودکان بالای حداقل سن قانونی اما زیر 18 سال تحت شرایط مانند بردماری، خطرناک و یا شرایط استثنای انجام می‌شود و همان‌گونه که در معاهدات بین‌المللی تعریف شده است کاری است که باید حذف شود (سازمان بین‌المللی کار، 2007: 3).

جدول شماره 1 شکل کار براساس جنسیت

شکل کار	جنسیت	شکل کار	جنسیت
کشاورزی	دختر و پسر	زباله‌گردی	اغلب پسران
کار خانگی	اغلب دختران	ساختمانی	پسر
مکانیکی	پسر	خواروبارفروشی‌ها و مغازه‌ها	پسر
کار در خیابان	دختر و پسر	رستوران و هتل	دختر و پسر
تن‌فروشی	دختر و پسر با غلبه دختران	بارکشی و حمل‌ونقل	پسر
کار در معادن	دختر و پسر

بخش زیادی از کودکان پسر و دختر در کارهای کشاورزی کار می‌کنند گرچه تعدادی از شواهد نشان می‌دهد حضور پسران بیشتر از دختران است. دلایل این امر تعدادی از کارهای سخت و طاقت‌فرسا و لزوم کار با ادوات کشاورزی به همراه آزار جنسی دخترانی است که به‌تنهایی کار می‌کنند (کولومیتس و موری، 2004). کار در این بخش طیف مختلفی از کارهای را در برمی‌گیرد. علی‌رغم حضور پسران و دختران در این کار نیز تقسیم‌کار وجود دارد. پسران بیشتر در کار جنگلداری، شکار، ماهیگیری و کشت غلات و دختران بیشتر به پرورش سبزیجات و مرغداری مشغول هستند (شولتز و اشتراوس، 2008).

کار خانگی شکلی دیگر از کار کودکان است که در همه نقاط جهان وجود دارد. این کار نیز طیف مختلفی از کارها همچون کارهای روزمره خانه، غذا درست کردن، نظافت و شستشو، مراقبت از کودکان کارفرما، مراقبت از بزرگسالان و افراد از کار افتاده، باغبانی و کمک به کارفرمایان خود در اداره کسب‌وکارهای کوچک را در برمی‌گیرد. در نواحی روستایی این کارها می‌تواند شامل نگهداری از حیوانات، تمیزکردن محل نگهداری آن‌ها، کارهای کشاورزی و برخی از کسب‌وکارهای خرد مانند قالی‌بافی نیز شود (بلاگبرو، 2008). در این شکل از کار، خانواده فکر می‌کنند کارفرما خانواده‌ای دیگر و لذا یک محافظ و مراقب دیگر برای کودکشان است. آنان دارای این تصور اشتباه هستند که کار خانگی فرصتی را برای آموزش کودکانشان فراهم می‌کند و کار به آنان آسیب نمی‌زند، همچنین دختران را برای به عهده گرفتن نقش‌های جنسیتی آماده می‌کند. در این شکل از کار، کودکان ساعات طولانی را کار می‌کنند، همیشه باید برای کارفرماها در دسترس باشند، در بسیاری از موارد دستمزد دریافت نمی‌کنند، کودک مجبور است برای مدت طولانی به‌دور از خانواده اصلی کار و زندگی کند و کار و زندگی نزد کارفرما همراه با آزارهای جسمی، جنسی و تحقیر است (احمدی، 1400). در بسیاری از مناطق جهان حضور دختران در این شکل از کار بیشتر است، اما در برخی از کشورها همچون نپال پسران حضور بیشتری در این کار دارند. همچنین ارتباط واضحی بین کودکان در کار خانگی و قاچاق کودکان برای استثمار کار در داخل و خارج از کشورها وجود دارد. نمونه بارز کار غیرقانونی (و نامرئی) کودکان و رابطه جنسی تجاری است. اگرچه قاچاق برای تن‌فروشی بسیار موردتوجه مقامات، جامعه و رسانه‌ها قرار گرفته است، اما قاچاق کودکان خردسال برای کارهای خانگی اخیراً شناخته‌شده است (هاسپلز و سوریاسرن، 2003).

کار در خیابان با اشکال مختلف آن (دست‌فروشی، اسفند دودکردن، وزن‌کشی، سبزی فروختن، شستن شیشه ماشین‌ها، تکدی‌گری، فال فروشی، فروختن دستمال‌کاغذی، چسب زخم، برخی از خوراکی‌ها، گل‌فروش و غیره) نیز شکل دیگری از کار است که هم دختران و هم پسران در آن حضور دارند. کودکان در سن بسیار پایین وارد این شکل از کار می‌شوند چراکه آنان در این سنین با جلب ترحم دیگران بهتر می‌توانند درآمد کسب کنند. در شهر تهران یکی از دوگانه‌های

مطالعات در این حوزه، دوگانه خانوارهای افغانستانی و کولی/غربتی²⁴ است. در کل در میان خانوارهای افغانستانی کار کردن دختران در بیرون از منزل پذیرفته شده نیست، اما آنان به دلیل فقر در یک بازه زمانی محدود دخترانشان را وارد کارهای خیابانی می‌کنند؛ اما خانواده‌ها از سنینی به بعد به‌ویژه از سن بلوغ که نشانه‌های ظاهری دختران تغییر می‌کند کمتر اجازه می‌دهند دخترانشان حداقل در برخی از اشکال کار همچون کارهای خیابانی کار کنند، دلایل این امر هم می‌تواند متفاوت باشد. طبیعتاً احساس خطری که خانواده‌ها از این بابت می‌کنند، یعنی اینکه به پاکدامنی دخترانشان لطمه‌ای وارد شود یکی از دلایل آن است. مهم‌تر از همه از نظر این دسته از خانواده‌ها کودکان بعد از مرحله بلوغ جسمی کم‌کم باید آماده ازدواج بشوند. کار دختران با ارزش‌ها و باورهای خانواده‌ها و اجتماعات آن‌ها مبنی بر این‌که دختر باید شوهر و خانه‌داری کند در تضاد است (احمدی، 1400؛ وامقی و دیگران، 1394 ب). برعکس در میان کولی‌ها، کار دختران پذیرفته شده است و حتی برای آنان مزیت به حساب می‌آید. در این اجتماع کارکردن دختران یک سنت و نوعی از روش زندگی است. در میان آن‌ها بسیاری از مردان از سنین جوانی از کار کنار می‌کشند²⁵ و کار دختران و زنان منبع درآمد و معاش خانواده است. تعداد زیادی از خانوارهای کولی‌ها فاقد شناسنامه هستند، از این‌رو برای تحصیل و اشتغال دارای محدودیت قانونی هستند و لذا به لحاظ حقوقی طرد شده‌اند و همین مبنایی برای کار دختران است، چراکه مردان بزرگسال آن‌ها نمی‌توانند در بازار کار جذب شوند و عدم امکان رفتن به مدرسه شرایط را برای کار آنان فراهم می‌کند. داشتن فرزندان زیاد از جمله دختران برای این دسته از خانوارها به معنی منبع درآمد بیشتر است. همچنین برای این دختران پس‌اندازها و دارایی‌های که می‌توانند از راه کار کسب کنند مزیتی اقتصادی برای ازدواج است. این دختران با کاری ابدی و مادام‌العمر مواجه هستند. آن‌ها تا زمانی که همراه والدینشان زندگی می‌کنند، در کنار مادر، خواهران و سایر دختران، باید در جهت تأمین معاش خانواده کار کنند. بعد از ازدواج این دختران که اکثراً در سن پایین رخ می‌دهد، باز هم اولین نیروی کار در خانواده همین زنان جوان محسوب می‌شوند، لذا شاهد کودک دختران متأهل کار هستیم (احمدی، 1400؛ میرحسینی و قربانی، 1398؛ وامقی و دیگران، 1394 ب).

یکی از موضوعات دیگر کار دختران در میان اجتماعات روستایی است که یافته‌ها نشان می‌دهد در میان آن‌ها کار دختران زیاد است؛ به‌گونه‌ای که در روستاها دختران به نسبت بیشتر کار می‌کنند. شواهد یک مطالعه نشان می‌دهد در روستاها 71 درصد دختران مشغول به کار هستند. کار آنان اکثراً در قالب شبکه‌های خویشاوندی انجام می‌شود. آنان ساعات طولانی را به کارهای خانه‌داری، کار در مزارع کشاورزی و دامداری و همچنین در برخی از موارد برای دیگران انجام می‌دهند. در برخی از موارد ساعات و حتی سال‌های زیادی را مشغول قالی‌بافی هستند. در این اجتماعات نیز کار دختران پذیرفته شده است و بخشی از زندگی آنان است. برای خانواده‌های آنان کار نه تنها انجام برخی از امور و منبع درآمد است، بلکه آنان را برای به عهده گرفتن نقش‌های جنسیتی در آینده آماده می‌کند (فیروزآبادی و رضانیان، 1393، وامقی و یزدانی، 1398).

برآوردهای جهانی کار کودکان نشان می‌دهد میلیون‌ها کودک در دام «استثمار جنسی تجاری» گرفتارند. دختران بیشتر در معرض استثمار جنسی تجاری قرار دارند، اما اغلب داده‌ها فاقد اطلاعات در مورد پسران هستند. در واقع این امر به‌طور فزاینده‌ای آشکار می‌شود که پسران نیز در این کار حضور دارند و حتی گاهی اوقات از دختران نیز پنهان‌تر هستند. به دلیل مشکلاتی که در دسترسی به دختران و پسران درگیر در استثمار جنسی تجاری وجود دارد، تصویر جنسیتی دارای سوگیری است و لزوماً واقعیت را منعکس نمی‌کند. پژوهش‌های علل این شکل از کار را فقر، دعوا و بدرفتاری، ضعف در اجرای قوانین و فقدان اراده سیاسی و منابع برای توقف آن، خانواده‌های از هم‌گسیخته و مشکلات

24. کولی‌ها یا غربتی‌ها دسته‌ای مهاجران از شهرهای شمالی همچون بابل و آمل هستند که در محله‌های فقیرنشین تهران از جمله دروازه غار، اتابک، شوش و خاک سفید سکنی گزیده‌اند. شیوه کار و زندگی آن‌ها که اکثراً مبتنی بر کار در خیابان است آنان را به یک‌سرخه فرهنگ بدل کرده است. به دلیل محرومیت‌های ساختاری آسیب‌های اجتماعی در میان آنان نسبتاً شایع است (صفی‌خانی و دیگران، 1395).

25. از آنجایی که خانوارهای کولی فاقد اسناد هویتی همچون شناسنامه هستند کودکان آنان به‌ویژه پسران زمانی که بزرگتر می‌شوند نمی‌توانند وارد مشاغل دیگر از هر نوع آن شوند. برای مثال نمی‌توانند به مدرسه و دانشگاه بروند و سپس مدارک تحصیلی کسب کنند و جذب مشاغل دولتی شوند، یا قادر به گرفتن مجوزهای قانونی کسب‌وکار نیستند و به همین ترتیب به دلیل نداشتن همین اسناد هویتی نمی‌توانند در سایر بخش‌ها حتی برای کارفرماهای دیگر کار کنند، از این‌رو نمی‌توانند جذب بازار کار شوند. می‌توان نتیجه گرفت آنان از ورود به بازار کار و مشارکت در بخش‌های اقتصادی طرد و کنار گذاشته شده‌اند. شواهد یک مطالعه نیز نشان می‌دهد آنان تحت این فرایند آسیب‌پذیر می‌شوند و وارد برخی از فعالیت‌های کجروانه و مجرمانه می‌شوند (پروین و درویش فرد، 1394).

خانوادگی، نبود یا کمبود حمایت‌های اجتماعی، زندگی با مادران مجرد، کمک به خانواده، اجبار والدین، فرار از مشکلات خانوادگی، استقلال اقتصادی، نفوذ همسالان، تمایل به کسب درآمد «آسان»، نبود فرصت‌های شغلی دیگر، جنگ، تبعیض جنسیتی و شیوه‌های سنتی ازدواج ذکر کرده‌اند. در میان دختران در مواردی ازدواج در سن کودکی، طلاق ناشی از آن و فقر آنان را به‌سوی این کار می‌رانند. در برخی از جوامع همچون جامائیکا، سریلانکا و تانزانیا صنعت تورسیم در تقاضا برای این شکل از کار مؤثر بوده است. پسرها بیشتر به‌عنوان کارگران جنسی در خیابان و دختران بیشتر به‌عنوان تن‌فروش نهادینه‌شده کار می‌کنند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد در این کار بیشتر دختران به مدرسه نمی‌روند و نرخ ترک تحصیل در میان آنان بسیار زیاد است، کار آنان به‌صورت تمام‌وقت است و تعطیلی ندارند. دختران در این شکل از کار با مشکلات متعددی مواجه‌اند از جمله آزارهای شدید روانی و جسمی، تجاوز، ربوده‌شدن، ابتلا به ایدز و بیماری‌های مقاربتی، مشارکت غیرارادی در تولید فیلم و تصاویر مستهجن، اجبار به مصرف مواد مخدر و آزار از سوی نهادهای دولتی همچون پلیس. به دلیل انگ اجتماعی نسبت به تن‌فروش‌ها، بازگرداندن دختران به «جامعه عادی» فرآیندی پیچیده است. گاهی اوقات آن‌ها ترجیح می‌دهند به‌جای فرستادن به مراکز توان‌بخشی، در فاحشه‌خانه‌ها بمانند. درحالی‌که پسرانی که تن‌فروشی را ترک می‌کنند تا زندگی عادی‌تری را از سر بگیرند، می‌توانند این گذار را آسان‌تر انجام دهند، اما دختران در بسیار از موارد طرد می‌شوند و جامعه به آنان به چشم دخترانی که «از قبل استفاده‌شده‌اند»²⁶ برخورد می‌کند (کولومینس و موری، 2004). در ایران پژوهش‌ها به‌صورت مستقل به مطالعه این شکل از کار نپرداخته‌اند اما در لابه‌لای آن‌ها می‌توان متوجه شد تعدادی از کودکان نیز به این شکل از کار مشغول‌اند (وامقی و دیگران، 1394ب).

در برخی از کارها دختران حضور ندارند. یکی از آن‌ها زباله‌گردی در شهر تهران است که اکثراً توسط افغانستانی‌ها انجام می‌شود (انجمن حمایت از حقوق کودکان، 1398؛ وامقی و دیگران، 1394ب). دو دلیل عمده برای اینکه چرا دختران در این کار و کارهای دیگری همچون کارهای ساختمانی، جابه‌جایی بار و غیره حضور ندارند وجود دارد؛ نخست اینکه جامعه این شکل از کارها را کار مردانه تعریف کرده است و به دلیل انتظارات جنسیتی دختران نمی‌توانند این کار را انجام دهند. دلیل دوم که مهم‌تر است به نحوه سازمان‌دهی، ماهیت انجام این کارها و شیوه انجام آن‌ها بازمی‌گردد. به لحاظ سازمان‌دهی کاری همچون زباله‌گردی مستلزم روابط کاری است و در قالب قرارداد میان پیمان‌کاران و کارفرمایان انجام می‌شود که این بخش از کار توسط مردان انجام می‌شود و به لحاظ ماهیت شغلی، مستلزم کار بدنی و طاقت‌فرسا است. جنبه مهم‌تر به لحاظ شیوه انجام کار است که حائز چند ویژگی است که امکان حضور دختران و زنان را فراهم نمی‌کند. نخست اینکه این کار در اکثر مواقع توسط مهاجران غیرقانونی افغانستانی انجام می‌شود که این شکل از مهاجرت‌ها برای دختران زیاد امکان‌پذیر نیست. دوم اینکه مستلزم کار در ساعات غیرمعارف و اسکان در محل کار است. در کار زباله‌گردی کودکان ساعات طولانی را به کار مشغول هستند. بخشی از کار همچنین در ساعات غیرمعارف همچون شب انجام می‌شود. نکته دیگر این است که کار زباله‌گردی مستلزم خوابیدن در سایت‌های بازیافت زباله و گودهای زباله است که امکان حضور دختران را فراهم نمی‌کند چراکه به لحاظ فرهنگی این موضوع پذیرفته نیست. در کل کارهایی که به این شیوه انجام می‌شوند کمتر حضور دختران در آن را امکان‌پذیر می‌کنند. این بدان معنی نیست که دختران اصلاً به کار زباله‌گردی مشغول نیستند، آنان در برخی از موارد در برخی از مناطق حاشیه‌نشین شهر تهران و کرج ممکن است همراه با خانواده یا یکی از اعضای خانواده زمانی را به جمع‌آوری زباله مشغول شوند (انجمن حمایت از حقوق کودکان، 1398).

در کارهای همچون صنعت و معدن نیز دختران و پسران حضور دارند. کودکانی که در صنایع‌دستی نساجی و خیاطی و خدمات خانگی خصوصی کار می‌کنند تقریباً به‌طور کامل دختر هستند درحالی‌که پسران بیشتر درگیر تولید میلمان چوبی، آماده‌سازی محل ساخت‌وساز، خرده‌فروشی خواربارفروشی‌ها و فروشگاه‌های عمومی هستند. در هند اغلب دختران در صنایعی همچون پوشاک، کبریت‌سازی، آتش‌بازی و سیگارسازی²⁷ در تاملینادو یا در صنعت الگو در فیروزآباد کار می‌کنند (بات، 2010). در برخی از موارد زنان جوان به همراه کودکان روستایی به‌منظور کار در

26. already been used

27. beedi

کارخانه‌ها یا محل‌های کار تولید کالاها مهاجرت می‌کنند (هاسپلز و سوریاسرن، 2003). همچون پسران دختران در بخش معدن نیز حضور دارند. در غنا، نیجر و پرو کار در معادن کوچک به‌صورت خانوادگی است، اگرچه دختران در بخش کارهای زیرزمینی فعالیت نمی‌کنند اما آنان از استخراج گرفته تا فرآوری تا خرده‌فروشی، به‌علاوه خدمات پشتیبانی کار می‌کنند. آنان همچنین در استخراج سنگ‌های قیمتی، تراشکاری، حمل قلوه‌سنگ از چاله‌ها، مرتب‌سازی سنگ‌های معدنی و خرد کردن سنگ فعال هستند (سازمان جهانی کار، 2007). در بخش صنعت در ایران نیز در طیف مختلفی از فعالیت‌ها کار می‌کنند. پسران در کارهای همچون کارگاه‌های تولیدی (کیف، کفش، پوشاک و غیره)، جوشکاری و کار در ضایعات، کار در کارگاه‌های نجاری و بلورسازی، مکانیکی و صافکاری و کارگاه‌های تولید و فروش گل کار می‌کنند. دختران نیز در صنایعی همچون بلورسازی، خیاطی و در منزل همچون زیورآلات و بسته‌بندی کالاها کار می‌کنند. هدف پسران از ورود به این کارها بیشتر یادگیری کسب مهارت برای آینده است، درحالی‌که هدف دختران بیشتر در کارهای همچون بلورسازی و زیورآلات و بسته‌بندی کالاها کسب درآمد به‌منظور کمک به خانواده است (احمدی، 1400).

کار و درآمد

تفاوت‌های جنسیتی در فعالیت‌ها می‌تواند در برخی کشورها قابل‌توجه باشد. در مقایسه با دختران، پسران عموماً نرخ مشارکت بالاتری در کار بازار و نرخ مشارکت کمتری در کار خانگی دارند. به‌عنوان‌مثال، در کشورهای MICS²⁸ دختران 18 درصد بیشتر در کارهای خانگی و تقریباً 30 درصد کمتر در کار بازار با دستمزد شرکت می‌کنند (آموریم و دیگران، 2004). در چند دهه گذشته شاهد افزایش کار دستمزدی برای زنان در سطح جهان هستیم، فرآیندی که به‌عنوان زنده‌شدن اشتغال شناخته می‌شود، اما بسیاری از این کارها از کیفیت نسبتاً پایینی برخوردارند. در کشورهای خاورمیانه همچون لبنان، سومالی و مصر پسران در شغل «با دستمزد» و دختران در «اشتغال بدون مزد» برتری دارند. در مقوله «کارهای خانه» نیز دختران به‌طور قابل‌توجهی بیشتر از پسران مشارکت دارند. این موضوع در اقتصادهای توسعه‌یافته‌تر همچون ترکیه و پرتغال نیز مشاهده می‌شود. به‌طور متوسط زنان معمولاً دوسوم درآمد مردان را دریافت می‌کنند و زنان هنوز در هر سطح تحصیلی کمتر از مردان درآمد دارند. تنها بخشی از این شکاف درآمد را می‌توان با تفاوت در میزان تحصیلات و تجربه شغلی توضیح داد که به این معنی است که تبعیض جنسیتی در دریافت دستمزد برابر برای کار با ارزش برابر همچنان گسترده است. به نظر می‌رسد همین امر برای دختران نیز صادق است. به‌طور متوسط، آن‌ها برای نوع کار مشابه کمتر از پسران دستمزد می‌گیرند. به‌عنوان‌مثال، نیمی از دخترانی که به‌عنوان خانهدار در بنگلادش کار می‌کنند، تنها به‌اندازه 28 درصد پسران در همین کار دستمزد دریافت می‌کنند (کولومیتس و موری، 2004).

بسیاری از شواهد مطالعات نشان می‌دهد کودکان به‌منظور کمک به خانواده کار می‌کنند از این‌رو کنترل زیادی بر درآمدشان ندارند. خانوارها در بسیاری از موارد، کودکان از جمله دخترانشان را وارد چرخه کار می‌کنند و بر آنان کنترل دارند، از این‌رو درآمد آنان را نیز تصاحب می‌کنند (احمدی، 1400؛ وامقی و دیگران، 1394 الف و ب؛ وامقی و یزدانی، 1398). شکل کار نیز تأثیر به‌سزایی در این موضوع دارد. در برخی از کارها همچون آن‌های که برای کارفرما انجام می‌شوند یا در محیط کارگاهی هستند، از آنجایی‌که والدین کودک به‌ویژه دختر را وارد کار می‌کنند و درباره میزان درآمد او با کارفرما به توافق می‌رسند و همچنین از آنجایی‌که ارتباطی میان کودک و کارفرما وجود ندارد، درآمد کودک به‌صورت مستقیم به والدین یا سرپرست کودک پرداخت می‌شود. در برخی از موارد سرپرست خانواده بخشی از درآمد را به‌منظور راضی نگه‌داشتن کودک و ادامه کار به او پرداخت می‌کند (احمدی، 1400).

در کارهای خانگی که دختران بیشتر در آن حضور دارند کودکان اغلب به خاطر کاری که انجام می‌دهد پولی را به‌صورت مستقیم دریافت نمی‌کنند. برخی در مقابل سرپناه، مراقبت و غذا، و برخی دیگر در برابر دست مزد کار می‌کنند. دستمزد آن‌ها ممکن است به والدینشان پرداخت شود و یا والدین آنان را به دلیل بدهی‌هایشان به خانه کارفرما بفرستند.

28. آلبانی، آذربایجان، بروندي، کامرون، چاد، کمور، جمهوری آفریقای مرکزی، کنگو، گامبیا، گینه بیسائو، گویان، کنیا، لسوتو، ماداگاسکار، نیجر، ساوتومی، سیرالئون، سوازیلند، ازبکستان و ویتنام.

ممکن است کارفرما دستمزد کودک را پیش خود نگه دارد، آن را به بهانه‌های مختلف از جمله عدم رسیدن کودک به سن قانونی پرداخت نکند و به کودک اجازه دسترسی به پول خود را ندهد. آنان ممکن است برای اقوام یا خویشاوندانشان و یا غریبه‌ها کار کنند. (یونیسف، 1999). در برخی از کارها همچون کار در کارگاه‌ها دستمزد دختران بسیار پایین است و کنترل کمتری بر درآمدها دارند؛ درحالی‌که در کارهای خیابانی درآمد کودک بیشتر است و تا حدودی کنترل آن نیز بیشتر. در برخی از موارد به‌ویژه در کارهای خیابانی دختران به‌منظور تأمین برخی از نیازهای خود همچون خرید لباس و غذا یا تأمین هزینه‌های تحصیل کار می‌کنند (احمدی، 1400؛ میرحسینی و قربانی، 1398). روی هم‌رفته دختران اغلب بر درآمدی که به دست می‌آورند کنترلی چندانی ندارند، زیرا مجبورند آن را به پدر، مادر یا شوهر خود بسپارند. در شرق آسیا، بسیاری از زنان مسئول تأمین مخارج خانوار هستند. در چنین مواردی، زنان بر مخارج روزانه کنترل دارند، اما اغلب مسئول کسب درآمد موردنیاز برای بقا هستند. علاوه بر این، تحقیقات همچنان تأیید می‌کند که در مواردی که دختران و زنان بر درآمد خود کنترل دارند، آن را به میزان بیشتری نسبت به پسران و مردان صرف تأمین نیازهای اساسی خانواده خود می‌کنند (هاسپلز و سورباسرن، 2003).

مخاطرات و آسیب‌ها

کار کودکان با آسیب‌های آن تعریف می‌شود به‌گونه‌ای که «کودکان را از دوران کودکی، پتانسیل و شأنشان محروم می‌کند و برای رشد فیزیکی و روانی آن‌ها مضر است» و مانع تحصیلشان می‌شود (سازمان بین‌المللی کار). فارغ از جنسیت اشکال مختلف کارهای کودکان با شدت متفاوت پیامدهای آسیب‌گونه فوق را برای کودکان به همراه دارد، برخی از مخاطرات و آسیب‌ها در میان همه کارها مشترک هستند و برخی دیگر ویژه برخی از کارها هستند. کارهای که از آن‌ها تحت عنوان «بدترین شکل کار کودکان» یاد می‌شود با بیشترین مخاطرات و آسیب‌های همراه هستند.

همان‌گونه که گفته شد بخش قابل‌توجهی از کودکان در بخش کشاورزی و در کارهای خانگی می‌کنند. مهم‌ترین مخاطرات و آسیب‌های کار در بخش کشاورزی عبارت‌اند از کار در سرما و گرما و جلوی آفتاب، زخمی‌شدن، قرارگرفتن در معرض مواد سمی و فاضلاب، ساعات کار طولانی، کار فیزیکی طاقت‌فرسا، کم‌درود و سایر دردها، کار در داخل گردوخاک و گاهی اوقات همراه با گل‌ولای، آفتاب‌سوختگی، مزاحمت حشرات، مواجهه با برخی از حیوانات خطرناک، جابه‌جای بار سنگین و عدم دسترسی به خدمات و امکانات بهداشتی (آرنولد و دیگران، 2020؛ هرست، 2007؛ مول و دیگران؛ 2005؛ میرک‌زاده و دیگران، 1400). کارهای کشاورزی اغلب در مناطق روستایی و حاشیه شهرها قرار دارند، از این‌رو کار کودکان این مناطق را که محروم‌تر هستند بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد و نابرابری‌ها را تقویت می‌کنند. آزار جنسی دختران در کارهای کشاورزی شایع است که باعث می‌شود تعداد کمتری از دختران در این کار برای دستمزد کار کنند. در مناطق روستایی اغلب باید دختران برای کار در مزارع کشاورزی همراهی داشته باشند و به‌تنهایی در مزارع کار نکنند (کولومیتس و موری، 2004).

کار خانگی به‌طور سنتی به‌عنوان یک کار آسان و ایمن برای کودکان، به‌ویژه دختران دیده می‌شود. با این حال، به‌طور فزاینده‌ای نشان داده‌شده است که کار خانگی می‌تواند برای کودکان بسیار خطرناک باشد و به‌عنوان یکی از بدترین شکل از کار کودکان شناخته‌شده است. بسیاری از مردم نیز به دلیل ماهیت نامرئی کار کودکان از شیوع آن آگاهی ندارند (یونیسف، 1999). اهم آسیب‌های کار خانگی عبارت‌اند از انجام کار زیاد، تنهایی، افسردگی، اضطراب، روزهای کار طولانی و خسته‌کننده، حمل بارهای سنگین، دست‌زدن به وسایل خطرناک مانند چاقو، قابلمه داغ، تبر و داس، محل زندگی ناسالم و غذای ناکافی و ناسالم، رفتارهای خوار و بی‌حرمت‌کننده از جمله آزارهای جسمی، کلامی و جنسی. در برخی از موارد والدین تصور اشتباهی درباره کار دارند و فکر می‌کنند کار نه‌تنها به دختران آنان آسیب نمی‌رساند بلکه این کارها آسان بوده و آنان را ورزیده و آماده می‌کند (ادراکات اشتباه)، یا اینکه کارفرمایان کودکان کارگر خانگی، به‌هیچ‌عنوان کار خود را بهره‌کشی از کودکان نمی‌بینند، بلکه تصور می‌کنند که به کودکان و خانواده‌های آن‌ها کمک می‌کنند (بلک، 2005). میزان حمایتی که یک کودک کارگر خانگی برخوردار است به کارفرما بستگی دارد. اگر کودک دستمزد نگرفته

باشد، یا بیش از حد کار کند یا با خشونت با او رفتار شود، هیچ راحل محافظتی برای او جز ترک محل کار وجود ندارد (یونیسف، 1999).

برون و کلودیا جیانلی (2020) با استفاده از داده‌های سری زمانی افراد 7 الی 15 ساله نشان دادند کار کودک با آسیب‌پذیری همراه است و محرک آن دختران هستند. سن نیز اثر تعیین‌کننده‌ای داشت به‌گونه‌ای که کار تنها برای کودکان کمتر از 10 سال اثرات منفی داشت. اثرات منفی کار خانگی بسیار زیاد بود به‌گونه‌ای که احتمال آسیب‌پذیری برای دختران زیر 13 سال به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌یافت. کار کودکان در مزارع خانوادگی با بیشترین آسیب همراه بود. این یافته‌ها نقش مهم کار کودک را در تعیین شکاف جنسیتی در اشتغال برجسته کرد.

کار در خیابان نیز با طیف گسترده‌ای پیامدها همچون پیدامروی‌های طولانی و سرپا ایستادن و لذا خستگی مفرط، تجربه خشونت‌ها، درگیری با سایر کودکان و شهروندان، تصادف و زخمی‌شدن، سوءتغذیه و تغذیه نامناسب، یادگیری رفتارهای پرخطر و مشاهده مسائل غیراخلاقی، توقیف اجناس و جمع‌آوری شدن، کار در گرما و سرما، تنفس هوای آلوده، قربانی جرم‌شدن، احساس شرمندگی و حقارت همراه است. در این شکل از کار کودکان دختر آزارهای جنسی زیادی را تجربه می‌کنند (احمدی، 1400؛ وامقی و دیگران، 1394 الف). این دسته از کودکان در معرض طرح‌های جمع‌آوری توسط سازمان‌های دولتی هستند از این رو خشونت قابل‌توجهی را نیز از سوی آنان تجربه می‌کنند. در مواردی این طرح‌های جمع‌آوری باعث شده است خانواده‌ها کودکانشان را از خیابان وارد کارهای کارگاهی کنند که آسیب‌های آن بیشتر بوده است (احمدی، 1400).

این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که هم دختران و هم پسران در بدترین اشکال کار کودکان مشارکت می‌کنند. با این حال، درک این نکته مهم است که به دلیل برخی انتظارات، وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی که بر دوش دختران گذاشته می‌شود، آن‌ها اغلب در برابر مخاطرات و آسیب‌های کار و استثمار آسیب‌پذیرتر هستند. پژوهش‌های که در کشورهای غنا، تانزانیا و نیجر در بخش معدن انجام شده بود نشان می‌داد دختران اکثراً بدون ابزارهای محافظتی کار می‌کنند، و مسائلی همچون کار در ساعات طولانی، خستگی، درد در ناحیه شکم، بریدگی، سرفه، سردرد و سرگیجه، مشکلات تنفسی، سوزش و سوختگی، تماس با گردوغبار ریز و مواد سمی بدون هیچ‌گونه تجهیزات حفاظتی، خطرات بالای تصادفات، فعالیت بدنی شدید، بیماری‌های، آسیب‌های جدی مادام‌العمر و حتی مرگ را گزارش کرده بودند. یکی از مسائل جدی که دختران در تانزانیا تجربه کرده بودند میزان مشخصی از آزار جنسی، سوءاستفاده و بهره‌کشی جنسی تجاری بود (سازمان جهانی کار، 2007). یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد دختران در هند در کارهای همچون پوشاک، کبریت‌سازی، آتش‌بازی و سیگارسازی پناه تا هشتاد درصد دوران کودکی با شاخص‌های همچون تحصیل، بازی و شادی- خود را ازدست‌داده‌اند. کودکان دختر در بسیاری از صنایع مورد استثمار بی‌رحمانه قرار گرفته بودند. گاهی اوقات آزار جنسی را نیز تجربه کرده بودند. در این کشور ترجیحات اجتماعی برای فرزندان پسر باعث می‌شود که به دختران کمتر بهاداده شوند، کمتر تغذیه شوند، کمتر تحصیل کنند، اما سخت‌تر کار کنند و از هر فرصتی برای گسترش افق‌های فردی، اجتماعی و فکری خود محروم شوند (بات، 2010).

بازماندگی از تحصیل و ترک تحصیل از دیگر پیامدهای کار کودکان است. در جهان بیش از 70 میلیون کودک در مقطع ابتدایی و تعداد بسیار بیشتری در مقطع دبیرستان در مدرسه ثبت‌نام نمی‌کنند. تعداد بیشتری از کودکان در مدرسه ثبت‌نام می‌کنند اما به‌طور منظم به مدرسه نمی‌روند. بیشتر این کودکان جزو کودکان کار هستند. در بسیاری از کشورها نرخ ترک تحصیل در میان دختران بیشتر از پسران است که کار کودک یکی از محرک‌های آن بوده است. تحصیل دختران در مقایسه با پسران برای بسیاری از والدین سرمایه‌گذاری ضعیفی به نظر می‌رسد. والدین اغلب، هنگامی که با منابع محدود و تقاضاهای مالی فراوان مواجه می‌شوند، ترجیح می‌دهند برای آموزش پسران خود سرمایه‌گذاری کنند و سهم حیاتی دختران را در اقتصاد خانواده از دست ندهند (بات، 2010؛ کولومیتس و موری، 2004).

در نهایت باید گفت از آنجایی که پسران و دختران در انواع مختلفی از کار، چه در اوایل و چه در مراحل بعدی زندگی‌شان، مشارکت دارند، تأثیر آن بر نتایج آینده کاری آنان در بازار متفاوت است. پژوهش‌ها در مکزیک و برزیل نشان می‌دهد توان کار برای مشارکت در بازار کار در آینده برای دختران بدتر از پسران است. در مکزیک بازگشت به تجربه اولیه کار می‌تواند توان‌های درآمدی مردان را جبران کند، اما این مورد برای زنان وجود نداشت. این نتایج ممکن است نشان‌دهنده توانایی پسران برای به دست آوردن تجربه کاری قابل‌عرضه در بازار باشد، که می‌تواند در آینده شغلی خود از آن استفاده کنند، در حالی که دختران به‌عنوان کارگر خانگی تجربه‌ای به دست می‌آورند که قابل‌انتقال به مشاغل دیگر نیست (کنال، 2001؛ گوستافسون رایت و پاین، 2002).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحت تأثیر سنت‌ها، باروها، هنجارها و فرصت‌ها، جنسیت امروز به یکی از تعیین‌کننده‌های اجتماعی مهم بدل شده است و بسیاری از جنبه‌های زندگی از جمله شانس‌ها و انتخاب‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از پدیده‌های مهمی که امروزه به مسئله اجتماعی بدل شده است و متأثر از جنسیت است کار کودکان است. علی‌رغم برخی از شباهت‌ها دختران و پسران به شیوه‌ای متفاوت کار کودکان را به لحاظ علل، شکل کار، شیوه انجام و پیامدهای آن تجربه می‌کنند. دختران پایه‌پای پسران در کار مشارکت دارند اما سرشماری‌ها به دلایلی همچون نامرئی بودن کار دختران، عدم به‌حساب آوردن کار آنان از سوی والدین به دلیل ادراکات اشتباه، عدم دریافت دستمزد و پنهان بودن برخی از کارها - این مورد برای برخی از اشکال کار پسران نیز مصداق دارد - آن‌ها را کم شمارش می‌کنند. برای مثال تعدادی از نظرسنجی‌ها دختران را «بی‌کار» به‌حساب می‌آورند که نشان می‌دهد آنان نه در مدرسه حضور دارند و نه کار می‌کنند، اما در حالی که ممکن است کار کنند.

سوگیری‌های جنسیتی و ترجیح اجتماعی برای فرزندان پسر باعث می‌شود والدین بیشتر به پسران توجه کنند، در رشد و موفقیت آنان سرمایه‌گذاری، دختران را قربانی پسران و آنان را از رشد و پیشرفت محدود کنند. این امر زمینه‌ای برای ورود دختران به کار است، در حالی که کار آن‌ها به‌حساب نمی‌آید. انتظارات و تبعیض‌های جنسیتی، ترجیحات والدین به همراه برخی از علل خاص همچون بیماری در خانواده و کار هر دو والد در خارج از خانه از علل اصلی کار دختران و به‌تبع استئمار مضاعفتر آنان در کار است. به همین ترتیب تمایل برای کار سخت در شرایط بد و مطیع بودن تقاضا برای کار دختران بیشتر است. گرچه دختران و پسران به دلیل فقر و سایر شرایط نامساعد مجبور به کارند اما تعدادی از مطالعات نشان می‌دهند این عوامل بیشتر بر دختران تا پسران تأثیرگذارند و در مواردی پسران به‌منظور استقلال اقتصادی کار می‌کنند (ویل، 2002).

دختران بیشتر در کارهای خانگی و کشاورزی حضور دارند. برخلاف تصور رایج کارهای خانگی دختران را در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌دهد (بلاگبرو، 2008؛ یونیسف، 1999). در کارهای خیابانی نیز از آنجاکه دختران بهتر می‌توانند ترحم شهروندان را جلب و درآمد کسب کنند مشارکت فعالی دارند (احمدی، 1400). براساس یک طبقه‌بندی دیگر پسران بیشتر در بازار و کارهای که همراه با دستمزد است حضور دارند در حالی که دختران بیشتر در کارهای خانگی و خدمات خانگی بدون دستمزد حضور دارند. آنجای که دختران دستمزد می‌گیرند در شرایط برابر نیز کمتر از پسران دستمزد می‌گیرند و کنترل کمتری بر دستمزدشان دارند و آن را به پدر، مادر یا شوهر خود می‌دهند. تجارب و مهارت‌های که پسران در کار کسب می‌کنند در آینده قابل‌عرضه به کارهای دیگر است، در حالی که این موضوع کمتر برای دختران مصداق دارد.

کار کودکان برای پسران و دختران آسیب‌های جدی به همراه دارد و به دلیل برخی از انتظارات اجتماعی و جنس کودکان پیامدهای آن برای دختران بدتر است. آزارهای جنسی یکی از پیامدهای کار است که بیشتر معطوف به دختران است. حتی ترس از آزار و از بین رفتن پاکدامنی و شرافت دختران، در میان برخی از اقوام از یک سنی به بعد - سن بلوغ - تمایل برای کار دختران در بیرون از خانه به‌ویژه خیابان یا در کار کشاورزی کاهش می‌یابد.

با مرور مطالعات حوزه کار با تأکید بر جنسیت شاهد تفاوت‌های جنسیتی قابل‌توجهی در کار کودکان هستیم. علی‌رغم این تفاوت‌ها این موضوع کمتر موردتوجه محققان، قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران و فعالان حقوق کودکان به‌ویژه در ایران بوده است. از این رو لازم است این موضوع موردتوجه به‌ویژه در درجه اول موردتوجه محققان قرار گیرد تا با انجام پژوهش‌ها در این زمینه اطلاعات کافی را فراهم آورند. بدون فراهم آوردن اطلاعات و شناخت کافی، سیاست‌گذاری‌های و مداخلات ضعیفی انجام می‌شود که در حذف کار کودکان و کاهش آسیب‌های آن مؤثر نخواهند بود.

Gender Differences in Child Labour: A Systematic Review of Causes, Forms, Characteristics, and Consequences

Kameel Ahmady²⁹

University of Kent, UK. MA in Social Anthropology.

<https://orcid.org/0000-0001-5467-966X>

Abstract

Child labour is a long-standing issue, but it has been predominantly studied concerning boys, with the assumption that the needs and desires of girls are the same as theirs. However, the lack of consideration of gender differences in child labour has resulted in the invisibility of girls' work. This study aims to highlight the gender disparities in children's work. The research method used was a secondary study through a systematic review approach. The research population included all the studies conducted on child labour, both nationally and internationally. After assessing the quality of the studies, 37 were selected. The results reveal that male and female children's work differs in terms of attendance, type of work, income, control over their work, and the consequences of their labour. These differences can be attributed to gender biases, parental expectations, discrimination, opportunities, and the way work is organized. Gender biases and societal preference for boys lead to parents investing more in their sons' growth and success, which makes girls vulnerable to boys and limits their opportunities for growth and progress. Consequently, girls enter the workforce, yet their work often

²⁹ Researcher and anthropologist: kameel.ahmady@gmail.com

goes unnoticed. Child labour poses a serious threat to both boys and girls, but due to social expectations and gender differences, the impact is more severe for girls. It is essential to address the issue of gender in children's work in research and policies to gain a better understanding of this issue and create policies and programs aimed at eliminating child labour.

Keywords: Children's work, gender expectations, gender disparities in children's work, the invisibility of girls' work.

منابع

- احمدی، کامیل و همکاران. (1400). ردیای استثمار در جهان کودکی. پژوهشی جامع در خصوص اشکال، علل و پیامدهای کار کودکان. آوای بوف.
- انجمن حمایت از حقوق کودکان. (1398). یغمایی کودکی: پژوهشی درباب شناخت، پیش‌گیری و کنترل پدیده زباله‌گردی کودکان در تهران. تهران: روز.
- ایمانی، نفیسه؛ نرسیسیانس، ایملیا. (1390). مطالعه انسان‌شناسانه پدیده کودکان کار خیابانی در شهر کرج. *مسائل اجتماعی ایران*، 3 (1)، 32-7.
- پروین، ستار و درویش‌فرد، علی‌اصغر. (1394). خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری (مطالعه موردی محله هرندی). *برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی*. 23: 51-89.
- زارع، شآبادی اکبر؛ حاجی‌زاده میمندی، مسعود و اکبری قورتانی، صدیقه. (1388). نقش خانواده نابسامان بر پدیده کودکان کار (مطالعه موردی استان یزد). *انتظام اجتماعی*. 1 (3): 30-52.
- صفی‌خانی، ثمره؛ موسوی، سید یعقوب؛ رجب‌لو، قنبرعلی. (1395). هویت در آستانه کولی‌های ساکن شهر تهران. تحقیقات فرهنگی ایران. 9 (3): 1-29.
- کشاورز حداد، غلام‌رضا، نظرپور، محمدنقی و سیفی کفش‌گری، محسن. (1393). کودکان کار در خانوارهای ایران. *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*. 10 (1): 49-74.
- فیروزآبادی، سید احمد و رضانیکان، زهرا. (1393). مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر کار کودکان و پیامدهای آموزشی ناشی از آن (مورد مطالعه روستا کراده، شهرستان جهرم). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*. 4 (1): 69-92.
- قاضی طباطبائی، محمود و ابوعلی، و دادهیر. (1389). فراتحلیل پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری. تهران: جامعه‌شناسان.
- میرحسینی، زهرا و قربانی، الهه. (1398). تجربه زیسته دختران کار خیابانی؛ در بستر ملاحظات جنسیتی و تفاوت‌های قومیتی. *فصل‌نامه علوم اجتماعی*. 26 (84): 46-119.
- میرکزاده؛ علی‌اصغر؛ زرافشانی، کیومرث و کرمان، فرانک. (1395). شناسایی آسیب‌های پیش روی کودکان کار روستایی در فعالیت‌های کشاورزی دهستان ماهیدشت. *پژوهش‌های روستایی*. 7 (3): 25-516.
- وامقی، مروئه؛ دژمان، معصومه و دیگران. (1392). ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی در شهر تهران، 1392 (علل و خطرهای کار کودکان در خیابان). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. 4 (1): 33-51.
- وامقی، مروئه؛ روشنفکر، پیام و دیگران. (1394). بررسی ترکیبی و ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی و ویژگی‌های کار آنان در تهران. *بررسی مسائل اجتماعی*. 6 (2): 391-416.
- وامقی، مروئه و یزدانی، فرشید. (1398). گزارش وضعیت کار کودکان در ایران. *در آسیب‌های اجتماعی و نابرابری: دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران 1388-1396*. (ج 2، ص 95-150). تهران: آگاه.

Amorim, A., Badrinath, S., Samouiller, S., & Murray, N. (2004). Gender Equality and Child Labour: A participatory tool for Facilitators. International Labour Organization.

Arnold, T. J., Arcury, T. A., Sandberg, J. C., Quandt, S. A., Talton, J. W., Mora, D. C., ... & Daniel, S. S. (2020). Heat-related illness among Latinx child farmworkers in North Carolina: a mixed-methods study. *New solutions: a journal of environmental and occupational health policy*, 30(2), 111-126.

Bhat, B. A. (2010). Gender, education and child labour: A sociological perspective. *Educational Research and Reviews*, 5(6), 323-328.

Black, M. (2005). Child Domestic Workers: A handbook on good practice in programme interventions.

Blagbrough, J. (2008). 'They Respect Their Animals More' Voices of child domestic workers.

- Burrone, S., & Giannelli, G. C. (2020). Child labour, gender and vulnerable employment in adulthood. Evidence for Tanzania. *The Journal of Development Studies*, 56(12), 2235-2250.
- Cigno, A., Rosati, F. C., & Tzannatos, Z. (2002). Child labor handbook. *Washington: The World Bank*.
- Haspels, N., & Suriyasarn, B. (2003). *Promotion of Gender Equality in Action Against Child Labour and Trafficking: A Practical Guide for Organisations*. International Labour Office, International Programme for the Elimination of Child Labour, Subregional Office for East Asia.
- Hurst, P. (2007). Health and child labor in agriculture. *Food and nutrition bulletin*, 28(2_suppl2), S364-S371.
- Glinskayai, E., Lokshin, M., & Garcia, M. (2000). The Effect of Early Childhood Development Programs on Women's Labor Force Participation and Older Children's Schooling in Kenya. Available at SSRN 630746.
- Guarcello, L., & Lyon, S. (2003). *Children's work and water access in Yemen*. International Labour Organization (ILO).
- Gustafsson-Wright, E., and H. H. Pyne. 2002. Gender Dimensions of Child Labor and Street Children in Brazil. Policy Research Working Paper 2897. World Bank, Washington, D.C.
- Ilahi, N. (2001). Children's work and schooling: does gender matter? Evidence from the Peru LSMS. *Evidence from the Peru Lsms (December 2001)*.
- International Labour Organization. (2004). *Helping Hands or Shackled Lives? Understanding Child Domestic Labour and Responses to It*. Geneva.
- . (2007). *Girls in Mining: Research Findings from Ghana, Niger, Peru, and United Republic of Tanzania. ILO Working paper*.
- . (2007). *Child domestic labour information resources*. Geneva: International Labour Organization Geneva.
- International Labour Office and United Nations Children's Fund. (2020). *Trends and the Road Forward*. New York. License: CC BY 4.0.
- Kazeem, A. (2012). Children's Work in Nigeria: Exploring the Implications of Gender, Urban–Rural Residence, and Household Socioeconomic Status. *The Review of Black Political Economy*, 39(2), 187-201.
- Khan, S., & Hesketh, T. (2010). Deteriorating situation for street children in Pakistan: a consequence of war. *Archives of disease in childhood*, 95(8), 655-657.
- Knaul, F. M. (2001). The Impact of Child Labor and School Dropout on Human Capital: Gender Differences in Mexico. In E. Katz and M. Correia, eds., *The Economics of Gender in Mexico—Work, Family, State and Market*. Washington, D.C.: World Bank.
- Kolomiyets, T., & Murray, U. (2004). *Global child labour data review: A gender perspective*. International Labour Office.
- Mull, L. D., & Kirkhorn, S. R. (2005). Child labor in Ghana cocoa production: focus upon agricultural tasks, ergonomic exposures, and associated injuries and illnesses. *Public Health Reports*, 120(6), 649-655.
- Pitt, M. M., & Rosenzweig, M. R. (1990). Estimating the intrahousehold incidence of illness: Child health and gender-inequality in the allocation of time. *International Economic Review*, 969-989.
- Salmon, C. (2005). Child labor in Bangladesh: Are children the last economic resource of the household?. *Journal of Developing Societies*, 21(1-2), 33-54.

- Schultz, T. P., & Strauss, J. (Eds.). (2008). *Handbook of development economics*. Elsevier.
- Sensoy Bahar, O. (2014). An overview of the risk factors that contribute to child labor in Turkey: Implications for research, policy, and practice. *International Social Work, 57*(6), 688-697.
- Sensoy Bahar, O. (2016). How do low-income Kurdish migrant families in Turkey negotiate child/adolescent characteristics in child labor decisions? Insights from Kurdish mothers. *Qualitative Social Work, 15*(1), 11-34.
- UNICEF, I. (1999). Child domestic work. *Innocenti Digest, 5*, 20.
- Wille, C. (2001). Trafficking in children into the worst forms of child labour: a rapid assessment. *Geneva: International Labour Office*.
- World Bank. (2005). Gender issues in child labor.